

زنداران

● افسانه شعبان‌نژاد

شبى آمد سراغم
چه دردى! درد دندان
نخوابيديم، تا صبح
من و بيچاره مامان
* * *

نگاهم اول صبح
به يك آيينه افتاد
لپ سمت چپم بود
شبيه توپ پُرباد
* * *

پدر جانم به من گفت
چرا پُف کرده‌اى تو؟
مگر با نيش زنبور
تصادف کرده‌اى تو؟

شعر



دندان‌شاز

طیبه شامانی

دندانه‌ای از شانهام
دیشب کمی لَق شد شکست
شاید که آن دندانه‌اش
دندان شیری بوده است

* * *

ای شانه جان! دندان من
عین همین افتاده بود
اما به جای آن خدا
محکم ترش را داده بود

* * *

شانه بزن حالا تو با
دندانه‌های این‌وری
تا در بیاید آن‌ورت
دندانه‌ی محکم تری

تصویرگر: سحر حنفی